

تاریخ موسیقی جهان

روح انگیز راهگانی با مقدمه پرویز منصوری

موسیقی در روم باستان

بعد از یونان، امپراتوری بزرگ روم آغاز گردید که پنج قرن به طول انجامید. حیات فرهنگی رومیها در ابتدا تحت تاثیر و نفوذ یونانیان بود و در همه زمینه ها از آنها بهره می گرفت، به خصوص موسیقی که از اهمیت فراوانی برخوردار بود. آنها تعلیمات موسیقی را از یونانیان فرا گرفتند (حتی تعلیم موسیقی به عهده یونانیان بود)، به این طریق موسیقی و سازهای موسیقی یونان در روم رواج پیدا کرد به دنبال آن موسیقیدانان رومی (حرفه ای) به وجود آمدند. از کارهای مهمی که توسط آنها صورت می گرفت، اجرای مراسم مذهبی و جشنهای درباری بود. البته موسیقی بیشتر در میهمانیها و جشنها به کار می رفت تا در مراسم مذهبی.

قدمت موسیقی در روم به ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد می رسد.

در روم مانند عصر طلایی یونان، زمان پیشرفت و تمدن بود. بیشتر امپراتوران آنها به موسیقی علاقه داشتند و به رشد و گسترش آن کمک بسیار می کردند. اهمیت آن به حدی رسید که بعضی از نمایشها را بدون کلام و فقط با موسیقی اجرا می کردند که به آنها پانتومیم (Pantomime) گفته می شد.

داستان پانتومیم عموماً از اساطیر گرفته می شد و بازی توسط همسرایان (که موضوع داستان را با فلوت بیان می کردند) و همراهی یک ارکستر متشکل از فلوت، نی و سنج صورت می گرفت.

در روم تئاترهای مکالمه ای نیز با موسیقی توأم بود. ولی بعدها بر اثر تجمّل پرستی و خوش گذرانی امپراتوران، موسیقی از هدف اصلی و هنری خود خارج و وسیله ای برای عیش و نوش گردید و در نهایت به پستی و ابتذال گرائید.

بعدها بر اثر تقسیم روم (قرن پنجم میلادی) به دو قسمت روم غربی و روم شرقی، موسیقی در قسمت شرقی آن (بعد از اضمحلال روم غربی، هزار سال در مشرق دوام آورد) به رشد و تعالی و گسترش خود ادامه داد و در کلیسا (قرون وسطی) تحولات چشمگیری را به وجود آورد. موسیقی امروزی اروپا دنباله و تداوم همان موسیقی است.

در نمایشنامه های رومی، موسیقی به وسیله نوازنده فلوت، در هر گروه ساخته می شد. ولی طی اجرا، به تنهایی نوای زمینه را اجرا می کرد. موسیقی نمایشنامه ها به وسیله فلوتی که ۵۰ سانتی متر طول داشت نواخته می شد. این فلوت به گردن نوازنده آویزان می گردید تا بتواند با دستها ارکستر را رهبری کند.

سازهای زهی مانند سیتارا، پاندورا، فیدکو برای اولین بار توسط رومیها نواخته شد، از این طریق آلات کوردون در تمام اروپا رواج یافت. فیدیکو سازی بود شبیه لوت که از نام آن، اسمهایی مثل ویولن، ویهولا، Vihuela (گیتار قدیمی و نام عود به اسپانیایی) و ویولا مشتق گردید. رومیها کیتار یونانیها را تغییر شکل دادند و با همین نام (کیتارا) آن را به کار بردند. آنها تازی شانزده پرده و ساز دیگری به نام سلمبان داشتند که متشکل از بیست و چهار پرده بود. لوزا نام یکی دیگر از سازهای آنها بود که مانند رباب از چوب ساخته می شد و متشکل از پنج پرده بود.

نقش موسیقی در درمان

رومیها به قدرت شفابخش موسیقی اعتقاد داشتند و از آن برای شفا و درمان بیماران استفاده می کردند، به طوریکه اسلیپیاس (Aeslepiades) پزشک رومی، جنون را با اصوات هارمونیک درمان و افراد متمرّد و سرکش را با آهنگهای مخصوصی رام می کرد.

رومیها بر این باور بودند که موسیقی قادر به مبارزه با طاعون است، همچنین مارگزیدگی را علاج و بی خوابی را درمان می کند. سلسیوس (Celsus) هنرمند بزرگ علم طب متذکر شده است که موسیقی سنجها و اصوات در دور کردن افکار مالیخولیایی ناشی از بعضی بیماریهای روانی مورد استفاده قرار گرفته است.

به عقیده اریستدس استفاده کنترل شده از موسیقی برای نوعی روان درمانی ضروری است، او بر این اعتقاد بود که موسیقی مانند دارو نه تنها قدرت پیشگیری دارد، بلکه درمان کننده نیز هست.